

■ مصطفی شاه‌کرمی

تعطیلی سالن‌های نمایش و روی صحنه نرفتن اجراهای تئاتر مشکلات زیادی را برای هنرمندان و فعالان این عرصه مهم هنرهای نمایشی ایجاد کرده است؛ از به خطر افتادن معیشت خانواده آنها تا سوءاستفاده برخی جریانات مخالف هنر. برخی افراد هم به بهانه اغتشاشات سعی دارند با تهدید و ارعاب هنرمندان جلوی بازگشت آرامش به این عرصه و عادی شدن روال انجام کارها را در سالن‌های نمایش بگیرند. سیدمحمدجواد طاهری که چند وقتی است جایگزین ابراهیم گله‌دارزاده شده و ساکن مدیریت تئاتر شهر را بر عهده گرفته، معتقد است تئاتر یعنی اندیشه و دعوت به اندیشیدن و اگر قرار است انتقادی هم مطرح شود، باید روی صحنه و در قالب ظرف‌های هنری باشد. او ضمن دعوت هنرمندان به دوری از جوزدگی، از افراد اثرگذار عرصه تئاتر می‌خواهد برای کمک به رونق اجرای نمایش‌ها از کارهایی که این هنر اصیل ایرانی را مغشوش می‌کند، پرهیز کنند. بحث تجهیز سالن‌ها به دوربین مداربسته و همچنین تدابیر و کاربست‌های عملیاتی برای داغ شدن تئور اجراها و نیز بحث تبلیغ آثار نمایشی که جزو مشکلات قدیمی و کهنه تئاتر محسوب می‌شود، از جمله محورهای دیگر گفت‌وگوی این مدیر با «جوان» است.



شخصاً اعتقاد دارم اگر انتقادی هم هست، ما تئاتری‌ها باید از زبان تئاتر و صحنه تئاتر برای بیان آن استفاده کنیم و این درست‌ترین شکل ممکن است

اجراهای ما از روز چهارشنبه (چهارم آبان) شروع شده و روی صحنه هستند اما الان مشکل اصلی این است که گروه‌ها دسترسی به فضای تبلیغات ندارند (با توجه به اینکه تبلیغ نمایش‌ها در بستر فضای مجازی و با استفاده از اینستاگرام است) و این افراد نمی‌توانند مانند قبل کارشان را تبلیغ و جذب مخاطب کنند. این یکی از معضلات اصلی گروه‌های تئاتر است. درآمد این گروه‌ها در این شرایط و با توجه به اینکه نمی‌توانند تبلیغات بکنند، قطعاً گتاف اجرای کارهای تولیدشان را نمی‌کند، به همین علت اجرایی هم روی صحنه نمی‌برند.

البته بحث تبلیغات برای نمایش‌ها از مشکلات ریشه‌دار و قدیمی تئاتر است، این در حالی است که طی دو سال اخیر شیوع ویروس کرونا ضربات سختی به تئاتر وارد کرد. این رکود با اغتشاشات اخیر که منجر به فیلتر شدن اینستاگرام شد، اوضاع تئاتر را بیش از پیش یفرنج کرد، چرا هیچ تدبیری برای جایگزین کردن فضای تبلیغی مناسب صورت نگرفته است؟

واقعیت این است که ظاهرآ فعالان تدبیر خاصی به طور کلی ندارند اما در کنار نشست‌هایی که داشتیم، از کارگردان مختلف دعوت شده‌است ایده‌ها و راه‌های نوین و ابتکاری را که برای تبلیغ نمایش‌ها به‌فکرشان می‌رسد، مطرح کنند تا بتوانیم با همکاری و کمک همدیگر چاره‌ای برای حل این مشکل بکنیم. نشستی را با اعضای خانه تئاتر برنامه‌ریزی کرده‌ام که طی روزهای آینده انجام می‌شود و قرار است رایج به‌اینکه چند رسانه‌ای می‌توانیم جایگزین کنیم، بحث کنیم، هر چه از جایگزینی با چنین سرعتی غیرممکن است، چون صرف انتخاب یک بستر تبلیغی نیست بلکه بحث معرفی و شتاب‌اندن آن در بین مردم و مخاطبان هم هست که کار زمانبری است. اما می‌توانیم تا آنجا که مقدور باشد، رسانه‌ای را جایگزین فضاهایی مثل اینستاگرام و واتس‌آپ کنیم که دوستان قبلاً به‌طور آزادانه کارهای‌شان را در آنها تبلیغ می‌کردند. پیگیر این موضوع هستیم ولی نیاز به همکاری گروه‌های نمایشی هم داریم. چون آنها قطع به یقین در حال فکر به این موضوع هستند و مطمئناً ایده‌هایی هم در نظر دارند که امیدواریم با مشارکت و همکاری همدیگر بتوانیم چاره‌ای برای حل این معضل بکنیم تا تئاتر و گروه‌های فعال در این عرصه نمایشی مهم بیشتر از این متضرر نشوند و معیشت و زندگی‌شان به‌خطر نیفتد.

با توجه به توضیحاتی که دادید، شما فعلاً هیچ طرح و ایده عملیاتی در نظر ندارید؟
واقلاً آن طرح پیشنهادی خاصی مدنظرمان نیست. برخی گروه‌های نمایشی مانند خانم گلاب آدینه طی این چند وقت اجراهایی را روی صحنه بردند که مورد توجه و حتی هنرهای برخی افراد قرار گرفتند، حتی شاهدیم برخی افراد با تهدید هنرمندان یا دعوت آنها به تحریم سعی در بسته و تعطیل نگه داشتن سالن‌های نمایش و اجرای هنرمندان دارند. نظر شما به عنوان یکی از چهره‌های فعال تئاتر در رابطه با چنین اقداماتی چیست؟

من به عنوان یک هنرمند تئاتر و نه به عنوان مدیری که مسئولیت اداره تئاتر شهر را دار، در حرف می‌زنم، چون وقتی بحث مدیریت مطرح می‌شود، ممکن است کارهای تند و متعصبانه‌ای گرفته‌شود اما

گلاب آدینه می‌کند- که پیشکسوت حوزه سینما و تئاتر این کشور هستند- به‌نظرم این افراد متوجه ذات تئاتر نشده‌اند، چون ذات تئاتر نقد و انتقاد اما پویایی و زنده بودن است که اتفاقاً روی صحنه اتفاق می‌افتد نه با تهدید و ارعاب یا محروم شدن از حق و حقوق مسلم هنرمندان.

آیا در بین آثاری که متقاضی حضور روی صحنه و اجرای نمایش‌های‌شان هستند، شرط و شروطی برای اجرا رفتن مطرح می‌شود؟

نه، خوشبختانه اصلاً چنین چیزی نبوده و حتی در مواردی مثل نمایش «پدر» کار آقای دشت‌آرام هم که قرار بود اجرا بشود، تنها مشکل و نگرانی‌شان در حوزه تبلیغات است که بطور می‌توانیم به مخاطبان خبر اجرای نمایش‌ها را اطلاع‌رسانی کنیم.
یکی از موضوعات مهمی که چندسالی است

همزمان با بروز برخی حواشی رایج به بعضی اجراها و موضوعات ممیزی و عدم‌رعایت آنها یا آمد و رفت مدیران کمبود آن پیش از روزهای دیگر دیده می‌شود و مورد بحث قرار می‌گیرد، موضوع تجهیز سالن‌های تئاتر به وسایل پیشرفته از جمله کار گذاشتن دوربین‌های مداربسته جهت ضبط همه اجراهای یک‌گروه نمایشی است. چند سال پیش شهرام کرمی (مدیر وقت مرکز هنرهای نمایشی) از بازه دو ماهه برای این اقدام خبر داد اما حالا با گذشت چند سال از آن ایام همچنان شاهد بحران آفرینی و غوغاسالاری برخی گروه‌ها یا رسانه‌ها یا نظرات‌های سلیقه‌ای هستیم. آیا در این رابطه تصمیم یا اتفاق تازه‌ای قرار نیست انجام بگیرد؟

نه! واقعیت این است که طی این چند وقت چنین چیزی از من خواسته نشده است و قبل از آن هم بحث نقد جدی نبود که اصلاً حاً فشاری برای انجام آن به سالن‌دارها و مدیران مکان‌های نمایشی بیاروند. آن موقع هم اگر چنین مسائلی مطرح می‌شد که تئاترها ضبط و به‌نشوری نظرات ارائه‌شود، به این دلیل بود تا ببینند آنچه مورد بازبینی قرار می‌گیرد با متن نمایشی که ارائه شده و حالا روی صحنه است، تفاوت و معایرتی دارد یا نه.

ما بارها شاهد بوده‌ام که مثلاً گاهی یک نمایش با چند یابابندی اجرا می‌شود یا اجرای برخی گروه‌ها در زمان حضور ناظر با اوقات دیگر تفاوت‌هایی دارند که باعث

فرهنگی



گفت‌وگوی «جوان» بامدیر مجموعه تئاتر شهر

مسیر انتقاد اجتماعی از صحنه تئاتر می‌گذرد

افرادی که با شانناژ کردن سعی می‌کنند تئاترها اجرا نشود یا هنرمندانی مانند خانم گلاب آدینه را

که سعی در زنده نگه داشتن چراغ سالن‌های تئاتر و اجرای نمایش‌ها دارند تهدید و ارعاب می‌کنند، متوجه ذات تئاتر نشده‌اند

بروز جنجال‌های زیادی می‌شود یا اینکه نظر و سلیقه ناظران ممکن است حواشی‌ای را ایجاد کند(که البته سابقه هم دارد). به تبع همین مسائل فضای بدی نسبت به شد(نمایش «مخاطب» به کارگردانی جابر رمضان و بازی‌نگار جواهریان) یکی از همین مسائل است. در آن مورد استناد آنها به چیزی بود که برای بازبینی داده بود و مطابقتش با اجزایی که در حضور ناظر و کارشناس رفته بودند، تفاوت داشت و همین مسئله دلیل حاشیه‌ها برای ادامه اجرای نمایش در روزهای بعد شد. حالا اینکه کارشناس درست‌انتخاب شده بود یا نه دیگر به حوزه کاری بنده مربوط نیست.

مخاطب و تماشاگر یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زنده و پویا نگه داشتن تئاتر است. توصیه و توقع شما از چهره‌های شاخص و هنرمندان تأثیرگذار تئاتر در رابطه با بحث جلب اعتماد مخاطبان و ترغیب آنها جهت حضور در سالن‌ها و دیدن کارهای روی صحنه چیست؟

همه می‌دانند که در این روزگار جذب و جلب اعتماد مخاطب در سالن‌های تئاتر برای گروه‌های نمایشی با چه سختی و طی‌السایان زیادی صورت گرفته‌است. اگر قرار باشد این مهم که نتیجه سال‌ها تلاش و با تحمل زحمات و مرارت‌های باورنکردنی همین بچه‌های تئاتری به دست آمده، یک شبیه این اعتماد از سوی برخی افراد مخدوش بشود که خیلی بد است. منظورم این است که صرف‌نظر از نگاه‌های سیاسی و سیاست‌زده و با توجه به اینکه خودم هم شخص سیاسی نیستم، هر جوری که هست فضای آرام و اندیشمندانه تئاتر را مثل آنچه در گذشته بود، حفظ کنیم و ادامه بدهیم. مجدداً تأکید می‌کنم و شخصاً اعتقاد دارم اگر انتقادی هم هست، ما تئاتری‌ها باید از زبان تئاتر و صحنه تئاتر برای گفتن آنها استفاده بکنیم و این درست‌ترین شکل ممکن است. قطعاً باید اجراهای تئاتر روی صحنه بروند و اگر حرف یا انتقادی هم هست با بهره‌گیری از خلاقیت هنرمندان روی صحنه مطرح‌شود، البته نه به شکل چیپ(تازل) و سطحی) و حرف زدن‌های مستقیم و اصطلاحاً گل‌درشت و مستقیم‌گویی، چه اینکه همه هنر تئاتر در زیر متن آن است. در طول تاریخ هم همین بوده‌است. اگر طرح یک موضوعی از سوی هنرمند باعث ایجاد تفکر و شکل‌گیری و تقویت اندیشه در بین مخاطبان و تماشاگران شد، تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت که اساساً ذات هنر همین است. تئاتر یعنی اندیشه و دعوت مخاطب و تماشاگر به اندیشیدن و تفکر کردن که حسن تئاتر همین است و از دوستان و هنرمندان تئاتری در خواست می‌کنم به این مسئله دقت داشته باشند و دچار جوزدگی نشوند و کمک‌کنند تا دوباره شاهد حضور گرم مخاطبان در سالن‌های نمایش باشیم.

نقطة نظر یا توصیه‌ای به هنرمندان و فعالان تئاتر دارید؟

من به عنوان یک خدمتگزار(البته نه به عنوان شعارزدگی و تعارف‌گونه آن بلکه به معنای واقعی کلمه) که فرصت خدمت به هنرمندان را دارم، حالا چه کوتاه‌مدت باشد و چه طولانی‌مدت، از دوستان هنرمند و تئاتری‌های عزیز می‌خواهم به فضای تئاتر کشور کمک کنیم. از دوستان خود در عرصه تئاتر و کسانی که در این عرصه صاحب نفوذ، اثر یا حرف هستند هم خواهش می‌کنم همه تلاش‌شان را برای آن نگه داشتن فضای تئاتر به کار بگیرند و از کارهایی که این هنر اصیل، قدیمی و ایرانی را مغشوش می‌کند، پرهیز کنند و اجازه دهند این هنرمندان تئاتر که امروز روز حرفه و زندگی و همه چیزشان تئاتر شده و درآمد و کسب معیشت‌شان از راه تئاتر است، بتوانند فعالیت خودشان را انجام و کارهای‌شان را ارائه دهند.



به جای مونتاژ معکوس شخصیت‌های غربی سراغ داشته‌های خودمان برویم

■ معصومه طاهری

به دنبال گسترده‌گی و تنوع رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با انفجار اطلاعات مواجهه هستیم که ابتدایی‌ترین پس‌لرزه‌های ناشی از آن، بحران هویت و غرق شدن در سیلاب ششپهاتی است که رسانه‌ها عامل اصلی آن هستند. آنها الگوهای خیالی و فانتزیز‌ای را که گاهی هیچ ارتباطی هم با زندگی حقیقی ندارند با رنگ و لعاب به خورد مخاطب عام خود به خصوص جوانان و نوجوانان می‌دهند، طوری که شبیه آنها شدن برای‌شان منتهای آرزو بشود و متأسفانه در این میان گاهی متولیان فرهنگ کشورمان برای مقابله با الگوهای غربی و شرقی متوسل به الگوهای خیالی و غیرواقعی یا در عمل تسلیم نمایه‌های خارجی می‌شوند و اسمش را بومی‌سازی و ایرانیزه کردن آنها می‌گذارند! غافل از اینکه در این پلشو حلقه‌ای مفقودشده و آن هم هویت دینی و ملی است؛ گنجینه باارزش و مهمی که تنها به آن می‌بالیم اما عملاً در صندوق‌ها خاک می‌خورند و چشم به بدلیجات دیگران دوخته‌ایم! اینجاست که یادگیری مهارت تعیین میزان و نحوه مصرف خوراک رسانه‌ای، آشنایی با مفاهیم اندیشه انتقادی و تلاش برای تولید محتسوی مفید و بومی اهمیت دارد.

این در حالی است که ایالات‌متحده‌ام‌را که هر چند پیشینه تاریخی و هویتی مشخصی ندارد، اما به وسیله هالیوود در اتاق‌های فکر خود به گونه‌ای فعالیت می‌کند که نه تنها برای مردم‌اش، بلکه برای تمام دنیا الگوسازی جعلی را که همان امریکایی‌سازی است پی می‌گیرد، در صورتی که ما شخصیت‌های حقیقی مطلوب بسیاری در کشورمان داریم و با هیچ‌گونه کمبودی برای عرضه هویت ملی و دینی مواجه نیستیم. تنها کافی است چند سالی به عقب برگردیم و در زندگی بانوان بزرگی چون علامه مجتهده امین به عنوان بانویی شاخص و دانشمند جهت ارائه الگو به زن ایرانی و مسلمان تأملی کنیم؛ عالمه‌ای که در نتیجه تلاش و خودسازی توانست به مدارج بالای علم و عرفان دست یابد. شاگرد برجسته ایشان، مرحوم علامه زینت‌السلادات علویه‌هماپوئی که خودش هم در زمره زنان عالمه و جلیل‌القدر بود، می‌گفت: «سن ۱۶ یا ۱۷سالگی در سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۹ کتاب‌های خوبی، بانو مجتهده امین شریفاب شدم. استاد مرا به گرمی پذیرفتند و از همان جلسه اول جذب‌ه روحی و ایمانی و مؤسسات فرهنگی چند دبیرستان من به وجود آورد که بیش از ۶۰عسال است به راه او که همان راه مستقیم اسلام، پیامبر اسلام(ص) و ائمه اطهار(ع) است به توفیق الهی عاشقانه ادامه داده‌ام. من اولین شاگرد ایشان بودم چون اهل تظاهر و تفاخر نبودم که مردم او را از جهت فضیلت‌شانسند و فکر می‌کنم راز موفقیت ایشان همین گمنامی او بوده است.»

علامه امین بانوی ایرانی بود که فاصله زمانی زیادی از دوران او نمی‌گذرد، او عمر بابرکت خود را صرف مطالعه و نوشتن کتاب‌های متعددی کرد و در سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۹ کتاب‌های خوبی، «خلاب» و راه سعادت بشر»، «سیر و سلوک در روش اولیاء»، و «التفحات الرحمانیه فی الوارادات القلبیه» (کتابی به زبان عربی) به همراه بیش از ۳۰عنوان جلد کتاب و یک دوره تفسیر قرآن در ۱۵جلد، تدریس، پاسخ به پرسش‌ها و شهادت دینی و حتی راه‌اندازی مؤسسات فرهنگی تأسیس چند دبیرستان دخترانه و مدرسه علمیه‌ای با بیش از ۶۰۰ تا هزار شاگرد و طلبه، در سال ۱۳۴۶ از دیگر فعالیت‌های آن بانوی عالمه بود.

در کنار همه این مطالب نکته حائز اهمیت آن است که این فعالیت‌های دینی را بانو مجتهده امین در اوضاع بسیار سخت فرهنگی و سیاسی رژیم پهلوی جامعه انجام داده بود. مرحوم علامه هماپوئی درباره استاد خود تعریف می‌کرد: «علامه مجتهده امین در دوران جوانی دختر بسیار جذاب و زیبایی بود ولی در طول زندگی هرگز مقفون شرایط بی‌بندوباری آن زمان نشده، به خصوص زمانی که اوچ بی‌حجابی بود و چادرها را از سرزنان پاره می‌کردند و یک زن در کوچه و بازار دیده نمی‌شد و خیلی سخت بود، ایشان به چنین مقامی رسیدند. او از خود آری‌اشد و همیشه زنان جوان در مقابل دیگران بسیار متأنف و متعجب می‌شد و همیشه به ما می‌گفت هیچ ریاضت نفسانی مانند خانهداری نیست، برای همین خود علامه امین بهترین خانهداری‌ها را می‌کرد و دائماً به ما می‌گفت زن از خانه شوهر هم به بهشت و هم به جهنم می‌رود.»

به راستی چرا باوجود چنین شخصیت‌های فرهیخته‌ای و غنای فرهنگی دینی- ملی، هنوز در ارائه الگوهای مطلوب به جوانان درمانده‌ایم و دچار خلأ یا تقلید از نسخه‌های خارجی یا ساختگی شده‌ایم؟ چرا دختران و زنان ایرانی از چنین الگوهای اصل اسلامی بی‌اطلاع هستند؟! البته نمی‌توان نوک پیکان را تنها به سمت زنان نشانده گرفت چراکه هیچ گونه معرفی و اطلاع‌رسانی برای آنها صورت نگرفته است تا اینقدر که فلان بازیگر و زیر و زبر و زندگی او را ملکه ذهن کنند، درباره چنین زنان فرهیخته و اندیشمند مسلمان هموطن خود شناختی داشته باشند و رسانه‌ها در این میان بیشترین نقش را دارند. چه آنکه رسانه‌ها بدون شک تأثیرگذارترین نقش را در ترویج سبک زندگی ایرانی- اسلامی عهددار هستند. وسایل ارتباط جمعی می‌توانند با انجام فعالیت‌های پژوهشی در حوزه سبک زندگی و انتشار آن در مطبوعات و خبرگزاری‌ها در زمینه فرهنگ‌سازی و ترویج آن در بین جوانان و خانواده‌ها مؤثر باشند. رسانه‌ها منتقل‌کننده دیدگاه‌ها به افراد جامعه هستند و می‌توانند در انتقال سبک زندگی ایرانی- اسلامی به مردم مؤثر باشند، لذا نونع پوشش و گفتگمانی که در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی می‌بینیم، می‌تواند در زمینه هدایت و الگوی یک زندگی ایرانی- اسلامی تأثیر داشته باشد. آنها به وسیله مطالبی که منتشر می‌کنند می‌توانند سبک زندگی جامعه را به سبک زندگی ایرانی- اسلامی مورد نظر مقام معظم رهبری نزدیک کنند، لذا بیشترین مسئولیت بر عهده رسانه‌هاست که از این گنجینه‌های باارزش استفاده مطلوب را ببرند و غبار غفلت و فراموشی را از آنها بزدایند و با الگوسازی درست بتوانند بهترین افراد را به جوانان ما معرفی و این عطش فرهنگی نسل کنونی را برطرف کنند.